

ابراهيم ابو الأنبياء عليهم السلام

در افق برتر

گروه پژوهش معارف



## بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الحمد لله رب العالمين و صلى الله على محمد و آله الطاهرين و لعنة الله على اعدائهم اجمعين

چندی قبل تعدادی از طلاب جوان و فعال، نوشتاری را در مقام پرسش و نقد ارائه دادند که در آن آمده بود: «حضرت ابراهیم‌ها باید بیایند و در محضر امام خمینی علیه السلام زانو بزنند».

صرف نظر از اینکه گوینده این سخن کیست؟ و آیا مفاد آن را به جدّ اراده کرده است یا نه؟ و آیا هنوز به مفاد آن ملتزم هست یا نه؟ شایسته است این موضوع بررسی شود که آیا چنین سخنی آن‌هم به این تعبیر، با محکّمات قرآن و سنّت سازگاری دارد یا نه؟

در قرآن کریم در شصت و سه مورد نام مبارک حضرت ابراهیم علی نبینا و آله و علیه السلام برده شده است که همه آنها یا لاقلاً اکثر آن موارد، در مقام تعظیم و تجلیل حضرت ابراهیم علیه السلام است.

اولین مورد آن آیه شریفه ۱۲۴ سوره مبارکه بقره است که می‌فرماید:

﴿وَ إِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا

يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ﴾

زمانی که خداوند متعال حضرت ابراهیم علی نبینا و آله و علیه السلام را با کلماتی آزمایش کرد و حضرت ابراهیم همه آنها را به طور کامل انجام داد، خداوند متعال فرمود: من تو را به عنوان امام و پیشوای مردم قرار دادم. ابراهیم علیه السلام گفت: از دودمان من هم [امامانی قرار بده]. خداوند فرمود: پیمان من به ستمگران نمی‌رسد. در روایات متعدده آمده است که خداوند متعال بعد از مقام عبودیت، نبوت، رسالت و خلت، مقام امامت را به حضرت ابراهیم علیه السلام اعطا فرمود. و هشام بن الحکم از امام صادق علیه السلام نقل می‌کند:

فی قول الله «إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا» قال: فقال: لو علم الله أن اسماً أفضل منه لسمّانا به.<sup>۱</sup>

در مورد قول خداوند متعال «إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا» فرمودند: اگر خداوند اسمی بهتر از آن (یعنی اسم امام) می‌دانست، ما را به آن نام می‌نامید.

پس به حسب روایات، بالاترین نام و خصوصیت را خداوند متعال به جناب ابراهیم علیه السلام عطا فرموده است.

و در سوره شریفه انعام، آیه ۷۵ می‌فرماید:

۱. تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۵۸.

﴿وَكَذَلِكَ نُرِي إِبْرَاهِيمَ مَلَكُوتَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلِيَكُونَ مِنَ الْمُوقِنِينَ﴾

و اینچنین ملکوت آسمانها و زمین را به ابراهیم نشان دادیم تا اینکه از اهل یقین باشد.

و در روایات متعدده، عظمت این ارائه تبیین شده است، از جمله روایت معتمد عبدالله بن مسکان از امام

صادق علیه السلام:

وَعَنْ أَحْمَدَ وَ عَبْدِ اللَّهِ ابْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيْسَى عَنْ أَبِيهِمَا عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغِيرَةِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُسْكَانَ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فِي قَوْلِهِ تَعَالَى ﴿وَكَذَلِكَ نُرِي إِبْرَاهِيمَ مَلَكُوتَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ﴾ قَالَ: كَشَطَ اللَّهُ لِإِبْرَاهِيمَ السَّمَاوَاتِ حَتَّى نَظَرَ إِلَى مَا فَوْقَ الْعَرْشِ وَ كَشِطَتْ لَهُ الْأَرْضُ حَتَّى رَأَى مَا تَحْتَ تَخُومِهَا وَ مَا فَوْقَ الْهَوَاءِ وَ فَعَلَ بِمُحَمَّدٍ صلى الله عليه وآله مِثْلَ ذَلِكَ وَ إِنِّي لَأَرَى صَاحِبِكُمْ وَ الْأُمَّةَ مِنْ بَعْدِهِ قَدْ فَعَلَ بِهِمْ مِثْلَ ذَلِكَ.<sup>۲</sup>

عبدالله بن مسکان می گوید امام صادق علیه السلام درباره آیه شریفه: ﴿وَكَذَلِكَ نُرِي إِبْرَاهِيمَ مَلَكُوتَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ﴾ فرمودند: خداوند متعال آسمانها را برای ابراهیم گشود تا اینکه آنچه ماورای عرش است را نگاه کند و زمین را برای او شکافت تا اینکه آنچه درون زمین و بالای هوا بود را دید. و خداوند با حضرت محمد صلى الله عليه وآله نیز چنین کرد و من ولتِ شما و ائمه بعد از او را می بینم که برای آنان نیز چنین چیزی رخ می دهد.

و در سوره مبارکه نحل، آیه ۱۲۳-۱۲۰ می فرماید:

﴿إِنَّ إِبْرَاهِيمَ كَانَ أُمَّةً قَانِتًا لِلَّهِ حَنِيفًا وَ لَمْ يَكُ مِنَ الْمُشْرِكِينَ \* شَاكِرًا لِنِعْمِهِ اجْتَبَاهُ وَ هَدَاهُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ \* وَ آتَيْنَاهُ فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ إِنَّهُ فِي الْآخِرَةِ لَمِنَ الصَّالِحِينَ \* ثُمَّ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ أَنْ اتَّبِعْ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَ مَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ﴾

همانا ابراهیم (به تنهایی) امتی بود مطیع فرمان خدا و مستقیم بر طاعت و راه حق بود و از مشرکان نبود \* شکرگزار نعمت‌های پروردگار بود و خداوند او را برگزید و به راه راست هدایت نمود \* و در دنیا به او نیکویی دادیم و در آخرت [هم قطعاً] از نیکان است \* سپس به تو وحی فرستادیم که از آیین ابراهیم که ایمانی خالص داشت و از مشرکان نبود پیروی کنی.

ملاحظه نمایید خداوند متعال حضرت ابراهیم علیه السلام را به چه صفاتی ستوده است:

۱. امت بود؛ به تنهایی کار گروه را انجام می داد و یا همه باید به او اقتدا می کردند.

۲. الخرائج و الجرائح، ج ۲، ص ۸۶۶.

و اما بخشی از روایتی که می گوید: «هَذِهِ مَلَكُوتُ الْأَرْضِ وَ لَمْ يَرَهَا إِبْرَاهِيمُ وَ إِنَّمَا رَأَى مَلَكُوتَ السَّمَاوَاتِ...» خلاف قرآن کریم و معارض به روایات متعدده است و اصل روایت نیز فاقد سند معتبر است و مرحوم مجلسی تأویلی را در بحار برای آن ذکر فرموده است.

۲. قانتاً لله بود؛ همیشه فرمان‌بر و مطیع خداوند متعال بود.
  ۳. حنیف بود؛ مستقیم بر طاعت و راه حق بود؛ یعنی بر اسلام بود.
  ۴. از مشرکین به هیچ معنا نبود؛ یعنی خالص موحد بود.
  ۵. شکر گزار نعمت‌های الهی بود.
  ۶. برگزیده خداوند متعال بود.
  ۷. خداوند متعال او را به صراط مستقیم و درست‌ترین راه سعادت هدایت فرمود.
  ۸. در دنیا هم خداوند متعال به او نیکی عطا فرموده بود.
  ۹. در آخرت هم قطعاً از نیکان است.
- سپس خداوند متعال می‌فرماید:
- به تو وحی کردیم که از آئین و روش ابراهیم که پاک و یکتاپرست بود پیروی کن.
- و در جای دیگر می‌فرماید:

﴿إِنَّ أَوْلَى النَّاسِ بِإِبْرَاهِيمَ لَلَّذِينَ اتَّبَعُوهُ وَ هَذَا النَّبِيُّ وَ الَّذِينَ آمَنُوا وَ اللَّهُ وَ لِيُّ الْمُؤْمِنِينَ﴾<sup>۳</sup>

سزاوارترین مردم به ابراهیم آنها هستند که از او پیروی کردند و این پیامبر و کسانی که ایمان آوردند و خداوند ولی و سرپرست مؤمنان است.

توجه نمایید با آنکه رسول گرامی اسلام ﷺ افضل از جناب ابراهیم عليه السلام است، در عین حال خداوند عزوجل می‌فرماید: «به تو وحی کردیم پیروی از روش و آئین ابراهیم بکنی» و نیز خداوند متعال، پیامبر اسلام عليه السلام را از سزاوارترین مردم به جناب ابراهیم عليه السلام می‌داند.

و از معصومین عليهم السلام در روایات متعدد وارد شده است:

«وَ مَا عَلَيَّ مِلَّةُ إِبْرَاهِيمَ عليه السلام إِلَّا نَحْنُ وَ شَيْعَتُنَا؛ وَ كَسَىٰ بَرِئَةُ إِبْرَاهِيمَ نِسْتًا مِثْلَ نِسْتِ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَ

شعیبان ما»<sup>۴</sup>

۳. سوره مبارکه آل عمران، آیه ۶۸.

۴. از جمله در فضایل الشیعه، ص ۱۲، ح ۹:

عَنْ أَبِي ذَرٍّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ: رَأَيْتُ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَدْ صَرَبَ كَيْفَ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عليه السلام بِيَدِهِ وَ قَالَ: يَا عَلِيُّ مَنْ أَحَبَّنَا فَهُوَ الْعَرَبِيُّ وَ مَنْ أَبْغَضَنَا فَهُوَ الْعِلَجُ فَشَيْعَتُنَا أَهْلُ الْبَيْتَاتِ وَ الْمَعَادِنِ وَ الشَّرَفِ وَ مَنْ كَانَ مَوْلَاهُ صَحِيحًا وَ مَا عَلَيَّ مِلَّةُ إِبْرَاهِيمَ عليه السلام إِلَّا نَحْنُ وَ شَيْعَتُنَا وَ سَائِرُ النَّاسِ مِنْهَا بِرَاءَةٌ إِنَّ

و این حرمتی است که خداوند متعال برای ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَامُ قرار داده است، هرچند این حرمت ناشی از خود رسول الله صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ و اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَامُ نیز می‌باشد، چنان‌که در روایتی که بعداً خواهد آمد به آن تصریح شده است. بدین جهت است که صاحب مجمع البیان در اینجا می‌گوید:

«اگر در اینجا پرسش شود که پیامبر اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ افضل از ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَامُ است پس چگونه امر شده است که فاضل، پیروی از مفضول کند؟ جواب آن است که در حقیقت این امر به پیروی حق است و چون ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَامُ سبقت داشت (در زمان) بر پیروی حق، بدین جهت خداوند متعال امر به پیروی آیین او فرمود و این مانعی ندارد»<sup>۵</sup>. و البته شاید نکته دیگر آن بوده است که تقریباً همه جناب ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَامُ را به عظمت قبول داشتند، بدین جهت وحی شد به حضرت رسول صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ که پیروی آئین ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَامُ نما تا در نتیجه اقرب به قبول برای دیگران باشد. به هر حال خداوند متعال با این بیان حرمت خاصی برای حضرت ابراهیم عَلَيْهِ السَّلَامُ قرار داد. و این حرمت را اهل بیت عَلَيْهِمُ السَّلَامُ رعایت می‌کردند تا آنجا که جناب کلینی رَضِيَ اللهُ عَنْهُ در روایت صحیح از امام باقر عَلَيْهِ السَّلَامُ نقل می‌کند:

مَرَّ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِقَوْمٍ فَسَلَّمَ عَلَيْهِمْ فَقَالُوا عَلَيْكَ السَّلَامُ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ وَ  
مَغْفِرَتُهُ وَرِضْوَانُهُ فَقَالَ لَهُمْ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَا تَجَاوِزُوا بِنَا مِثْلَ مَا قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ لِأَيُّهَا  
إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنَّمَا قَالُوا رَحِمَتُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ.<sup>۶</sup>

الله و ملائكتُهُ يهدمون شيعتنا كما يهدم القُدومُ البنيان.

✓ المحاسن، ج ۱، ص ۱۴۷:

عنه عن أبيه عن حمزة بن عبد الله عن جميل بن دراج عن حسان بن أبي علي العجلي عن عفران بن ميثم عن حبانة الوالبيّة قال: دخلنا على امرأة قد صفرتها العبادَةُ أنا و عبائة بن ربيعيّ فقالت من الذي معك قلتُ هذا ابنُ أخيك ميثمُ قالتُ ابنُ أخي و الله حقاً أما إنني سمعتُ أبا عبد الله الحسينَ بنَ عليٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ يقولُ: ما أحدٌ على ملةِ إبراهيمَ إلا نحنُ و شيعتنا و سائرُ الناسِ منها بُراءُ.

✓ تفسير العياشي، ج ۱، ص ۱۸۵:

عن حبانة الوالبيّة قالت: سمعتُ الحسينَ بنَ عليٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ يقول: ما أعلم أحداً على ملةِ إبراهيمَ إلا نحنُ و شيعتنا، قال صالح: ما أحدٌ على ملةِ إبراهيمَ، قال جابر: ما أعلم أحداً على ملةِ إبراهيمَ.

✓ تفسير العياشي، ج ۱، ص ۳۸۸:

عن عمر بن أبي ميثم قال: سمعتُ الحسينَ بنَ عليٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ يقول: ما أحدٌ على ملةِ إبراهيمَ إلا نحنُ و شيعتنا، و سائرُ الناسِ منها بُراءُ.

۵. مجمع البیان في تفسير القرآن، ج ۶، ص ۶۰۳:

و متى قيل أن نبينا كان أفضل منه فكيف أمر الفاضل باتباع المفضول فجوابه أن إبراهيم (ع) سبق إلى اتباع الحق و لا يكون في سبق المفضول إلى متابعة الحق زراية على الفاضل في اتباعه.

۶. الكافي (ط - الإسلامية)، ج ۲، ص ۶۴۶:

امیرالمؤمنین علی علیه السلام بر گروهی عبور کردند و به آنها سلام کردند، آنها در پاسخ گفتند: عليك السلام و رحمة الله و بركاته و مغفرتة و رضوانه. امیرالمؤمنین علیه السلام به آنها فرمودند: درباره ما از آنچه که فرشته‌ها در سلام بر پدر ما ابراهیم گفتند فراتر نروید، همانا فرشته‌ها گفتند: «رَحِمْتُ اللهُ وَ بَرَكَاتُهُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ».

و مثل این قضیه را جناب صدوق رضی الله عنه در معانی الاخبار از امام صادق علیه السلام نقل کرده است.<sup>۷</sup>

و حتی در روایتی که مشهور است و صدوق از طریق دو نفر از مشایخ خود از امام رضا علیه السلام نقل می‌کند که هنگامی که از رسول اکرم صلی الله علیه و آله در روش صلوات بر ایشان پرسش شد فرمودند: بگویند «اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَ عَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ؛ خداوندا درود بفرست بر محمد و آل محمد همان‌طور که درود فرستادی بر ابراهیم و آل ابراهیم، همانا تو ستوده و بزرگوار هستی».<sup>۸</sup>

و این امر مهمی است که با آنکه پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله از حضرت ابراهیم علیه السلام افضل است و نیز آل حضرت، چگونه صلوات بر حضرت تشبیه شد به صلوات بر ابراهیم و آل ابراهیم؟ و علماء در اینجا جوهری را ارائه داده‌اند، ولی به هر حال این روش صلوات بر حضرت دال بر تعظیم خاص برای جناب ابراهیم علیه السلام است. حتی مواردی که «افضل ما صلیت» یا «کافضل ما صلیت» آمده است، مطلب چنین است.

آیا با این همه، شایسته است گفته شود «حضرت ابراهیم‌ها باید بیایند و در محضر امام خمینی رضی الله عنه زانو بزنند؟» آیا این ادبی است که امیرالمؤمنین علیه السلام به کمیل می‌فرماید:

أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ مَجْبُوبٍ عَنْ جَمِيلٍ عَنْ أَبِي عُيَيْنَةَ الْحَدَّاءِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ علیه السلام قَالَ: مَرَّ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيٌّ علیه السلام بِقَوْمٍ ...  
۷. معانی الاخبار، ص ۲۸۳:

أَنَّ الصَّادِقَ علیه السلام سَلَّمَ عَلَى رَجُلٍ فَقَالَ لَهُ الرَّجُلُ وَ عَلَيْكُمْ السَّلَامُ وَ رَحْمَةُ اللهِ وَ بَرَكَاتُهُ وَ مَغْفِرَتُهُ وَ رِضْوَانُهُ فَقَالَ لَا تُجَاوِرُوا بِنَا قَوْلَ الْمَلَائِكَةِ لِأَيِّنَا إِبْرَاهِيمَ علیه السلام رَحِمْتُ اللهُ وَ بَرَكَاتُهُ عَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ إِنَّهُ حَمِيدٌ مَجِيدٌ.

۸. عيون أخبار الرضا عليه السلام، ج ۱، ص ۲۳۶:

حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ بْنِ سَادَوَيْهِ الْمُؤَدَّبُ وَ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ مَسْرُورٍ رَضِيَ اللهُ عَنْهُمَا قَالَا حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللهِ بْنِ جَعْفَرِ الْجَمِيرِيِّ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الزَّيَّانِ بْنِ الصَّلْتِ قَالَ: حَضَرَ الرِّضَا علیه السلام مَجْلِسَ الْمَأْمُونِ بِمَرْوَ وَ قَدِ اجْتَمَعَ فِي مَجْلِسِهِ جَمَاعَةٌ مِنْ عُلَمَاءِ أَهْلِ الْعِرَاقِ وَ خُرَّاسَانَ ...  
وَ أَمَّا الْآيَةُ السَّابِعَةُ فَقَوْلُ اللهِ عَزَّ وَ جَلَّ إِنَّ اللهُ وَ مَلَائِكَتُهُ يُصَلُّونَ عَلَى النَّبِيِّ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا صَلُّوا عَلَيْهِ وَ سَلِّمُوا تَسْلِيمًا قَالُوا يَا رَسُولَ اللهِ قَدْ عَرَفْنَا التَّسْلِيمَ عَلَيْكَ فَكَيْفَ الصَّلَاةُ عَلَيْكَ؟ فَقَالَ: تَقُولُونَ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَ عَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ فَهَلْ بَيْنَكُمْ مَعَاشِرَ النَّاسِ فِي هَذَا خِلَافٍ فَقَالُوا لَا فَقَالَ الْمَأْمُونُ هَذَا مِمَّا لَا خِلَافَ فِيهِ أَضَلَّا وَ عَلَيْهِ إِجْمَاعُ الْأُمَّةِ ...

✓ (الأمالی) (للسدوق)، النص، ص ۳۸۶:

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ إِبْرَاهِيمَ اللَّيْثِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ اللهِ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ عَبْدِ الْعَزِيزِ الْبَغَوِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ الْجَعْدِ قَالَ أَخْبَرَنَا شُعْبَةُ قَالَ حَدَّثَنَا الْحَكَمُ قَالَ سَمِعْتُ ابْنَ أَبِي لَيْلَى يَقُولُ لَقِيتُ كَعْبَ بْنَ عُجْرَةَ فَقَالَ أَلَا أَهْدِي لَكَ هَدِيَّةً إِنَّ رَسُولَ اللهِ صلی الله علیه و آله خَرَجَ عَلَيْنَا فَقُلْنَا يَا رَسُولَ اللهِ قَدْ عَلَّمْتَنَا كَيْفَ السَّلَامِ عَلَيْكَ فَكَيْفَ الصَّلَاةُ عَلَيْكَ؟ قَالَ: قَالُوا اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ وَ بَارِكْ عَلَى آلِ مُحَمَّدٍ كَمَا بَارَكْتَ عَلَى آلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ.

«إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ أَذْبَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ وَهُوَ أَذْبَنِي وَ أَنَا أُذِبُّ الْمُؤْمِنِينَ وَ أُورِثُ الْأَدَبَ الْمُكْرَمِينَ؛ هَمَانَا

رسول خدا ﷺ را خداوند عزوجل تربیت کرد و رسول الله من را تربیت کرد و من مؤمنین را تربیت می‌کنم و ادب را برای مکرمین به ارث می‌گذارم».<sup>۹</sup>

مضمون ذیل در روایات متعدد وارد شده، از جمله صفار در *بصائر الدرجات*، نعمانی در *کتاب الغیبه*، صدوق در *امالی و فضائل الشیعه و عیاشی* در تفسیر (رضوان الله تعالی علیهم) آن را نقل کرده‌اند:

«أَنَا مِنْ إِبْرَاهِيمَ وَ إِبْرَاهِيمُ مِنِّي وَ دِينِي دِينُهُ وَ سُنَّتِي سُنَّتُهُ وَ فَضْلُهُ فَضْلِي وَ أَنَا أَفْضَلُ مِنْهُ وَ فَضْلِي لَهُ فَضْلٌ تَصْدِيقُ قَوْلِ رَبِّي ذُرِّيَّةً بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ وَ اللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ»<sup>۱۰</sup>

۹. بشارة المصطفى لشيعة المرتضى (ط - القديمة)، ج ۲، ص ۲۴:

أخبرنا الشيخ أبو البقاء إبراهيم بن الحسين بن إبراهيم البصري بقرآتي عليه في المحرم سنة ست عشرة و خمسمائة بمشهد مولانا أمير المؤمنين علي بن أبي طالب عليه السلام قال: حدثنا أبو طالب محمد بن الحسن بن عثبة قال: حدثنا أبو الحسن محمد بن الحسين بن أحمد قال: أخبرنا محمد بن وهبان السديلي قال: حدثنا علي بن أحمد بن كثير العسكري قال: حدثني أحمد بن الفضل أبو سلمة الأصفهاني قال: أخبرني راشد بن علي بن وإيل القرشي قال: حدثني عبد الله بن حفص المدني قال: أخبرني محمد بن إسحاق عن سعيد بن زيد بن أوطاة قال: لقيت كميل بن زياد و سأله عن فضل أمير المؤمنين علي بن أبي طالب عليه السلام فقال: أ لا أخيرك بوصية أوصاني بها يوماً هي خير لك من الدنيا بما فيها؟ فقلت بلى قال: قال لي علي بن كميل بن زياد فسم كل يوم باسم الله و لا حول و لا قوة إلا بالله و توكل على الله و اذكرنا و اسم بأسمائنا و صل علينا و اشهد بالله ربنا و اذرا عن نفسك و ما تحوطه عنايتك تكف شر ذلك اليوم يا كميل إن رسول الله ﷺ أَذْبَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ وَهُوَ أَذْبَنِي وَ أَنَا أُذِبُّ الْمُؤْمِنِينَ وَ أُورِثُ الْأَدَبَ الْمُكْرَمِينَ يَا كَمِيلُ مَا مِنْ عِلْمٍ إِلَّا وَ أَنَا أَفْضَلُ مِنْهُ وَ مَا مِنْ سِرٍّ إِلَّا وَ الْقَائِمُ عليه السلام يَحْتَمُهُ يَا كَمِيلُ ذُرِّيَّةً بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ وَ اللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ يَا كَمِيلُ لَا تَأْخُذْ إِلَّا عَنَّا تَكُنْ مِمَّا يَا كَمِيلُ مَا مِنْ حَرَكَةٍ إِلَّا وَ أَنْتَ مُحْتَاجٌ إِلَى مُعُونَةٍ فِيهَا إِلَى مَعْرِفَةِ يَا كَمِيلُ إِذَا أَكَلْتَ الطَّعَامَ فَسَمِّ بِاسْمِ اللَّهِ الَّذِي لَا يَضُرُّ مَعَ اسْمِهِ شَيْءٌ وَ هُوَ الشَّفَاءُ مِنْ جَمِيعِ الْأَسْوَءِ يَا كَمِيلُ . . .

۱۰. *بصائر الدرجات في فضائل آل محمد صلى الله عليهم*، ج ۱، ص ۵۳:

حدثنا إبراهيم بن هاشم عن أبي عبد الله البرقي عن خلف بن حماد عن محمد بن القطيبي قال سمعت أبا عبد الله عليه السلام يقول الناس غفلوا قول رسول الله ﷺ في علي يوم غدیر خم كما غفلوا يوم مشربة أم إبراهيم أتاه الناس يعوذونه فجاء علي ليدنو من رسول الله ﷺ فلم يجد مكاناً فلما رأى رسول الله ﷺ أنهم لا يؤسعون لعللي عليه السلام نادى يا معشر الناس فرجوا لعللي ثم أخذ بيده فقعده [فقعده] معه على فراشه ثم قال يا معشر الناس هؤلاء أهل بيبي تستخفون بهم و أنا حي بين ظهرائكم أما و الله لئن غبت عنكم فإن الله لا يغيب عنكم إن الروح و الراحة و الرضوان و البشر و البشارة و الحب و المحبة لمن ائتم بعلي و ولايته و سلم له و للأوصياء من بعده حقاً لأدخلنهم في شفاعتي لأنهم أتباعي و من تبعني فإنه مني مثل جزي في من أتبع إبراهيم لأني من إبراهيم و إبراهيم مني دينه ديني و سنته سنتي و فضله من فضلي و أنا أفضل منه و فضلي له فضل تصديق قولي قوله تعالى ذرئته بعضها من بعض و الله سميع عليم و كان رسول الله ﷺ و ثبت قدم في مشربة أم إبراهيم حين عادته الناس في مرضه قال هذا.

✓ الغيبة (لنعماني)، ص ۹۱:

أخبرنا أحمد بن محمد بن يعقوب قال حدثنا أبو عبد الله الحسين بن محمد قراءة عليه قال حدثنا محمد بن أبي قيس عن جعفر الرماني عن محمد بن أبي القاسم ابن أخت خالد بن مخلد القطواني قال حدثنا عبد الوهاب الثقفي عن جعفر بن محمد عن أبيه محمد بن علي عليه السلام أنه نظر إلى حمران فبكي ثم قال يا حمران عجباً للناس كيف غفلوا أم نسوا أم تناسوا فنسوا قول رسول الله ﷺ حين مرض فاتاه الناس يعوذونه و يسلمون عليه حتى إذا غص بأهله البئس جاء علي عليه السلام فسلم و لم يستطع أن يتخطاهم إليه و لم يؤسعوا له فلما رأى رسول الله ﷺ ذلك رفع مائدته و قال إني يا علي فلما رأى الناس ذلك رحم بعضهم بعضاً و أفرجوا حتى تحطاهم و أجلسه رسول الله ﷺ إلى جانبه ثم قال يا أيها الناس هذا أنتم تفعلون بأهل



رسول الله ﷺ فرموندند: ... همانا من از ابراهیم هستم و ابراهیم از من است و دین من دین ابراهیم و سنت من، سنت ابراهیم است و فضل او فضل من است و من أفضل از او هستم و فضل من برای او هم فضل است، و این تصدیق قول خداوند متعال است که فرمود ﴿ذُرِّيَّةً بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ﴾ و در علل الشرائع آمده است:

«قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أَنَا أَشْبَهُ النَّاسِ بِأَدَمَ وَإِبْرَاهِيمَ أَشْبَهُ النَّاسِ بِي خَلْقَهُ وَخُلُقَهُ وَ سَمَائِي اللَّهُ مِنْ فَوْقِ عَرْشِهِ عَشْرَةَ أَسْمَاءً»<sup>١١</sup>

بیبی فی حیاتی ما أرى فكيف بعد وفاتي و الله لا تفزبون من أهل بيبي فونة إلا فزبتم من الله منزلة و لا تباعدون عنهم خطوة و تعرضون عنهم إلا أغرض الله عنكم ثم قال أيها الناس اسمعوا ما أقول لكم ألا إن الرضا و الرضا و الجنة لمن أحببنا و تولاه و اتهم به و بفضل و بأوصيائي بعده و حق على ربي أن يستجيب لي فيهم إنهم اثنا عشر وصياً و من تبعه فإنه مني إني من إبراهيم و إبراهيم مني و ديني دينه و دينه ديني و نسبته نسبتي و نسبتي نسبته و فضلي فضله و أنا أفضل منه و لا فخر يصدق قولي قول ربي - ذرية بعضها من بعض و الله سميع عليم.

✓ الأمامي (للسدوق)، ص ١١١:

حَدَّثَنَا أَبِي رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ قَالَ حَدَّثَنَا يَعْقُوبُ بْنُ يَزِيدَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْقَيْطِي قَالَ قَالَ الصَّادِقُ جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَغْفَلُ النَّاسَ قَوْلَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ فِي عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَوْمَ مَشْرَبَةِ أُمِّ إِبْرَاهِيمَ كَمَا أَغْفَلُوا قَوْلَهُ فِيهِ يَوْمَ غَدِيرِ حُمٍّ إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ كَانَ فِي مَشْرَبَةِ أُمِّ إِبْرَاهِيمَ وَ عِنْدَهُ أَصْحَابُهُ إِذْ جَاءَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَلَمْ يُفْرَجُوا لَهُ فَلَمَّا رَأَهُمْ لَا يُفْرَجُونَ لَهُ قَالَ يَا مَعْشَرَ النَّاسِ هَذَا أَهْلُ بَيْتِي تَسْتَخْفُونَ بِهِمْ وَ أَنَا حَيٌّ بَيْنَ ظَهْرَانَيْكُمْ أَمَا وَاللَّهِ لئن غيبت عنكم فإن الله لا يغيب عنكم إن الرزق و الراحة و البشر و البشارة لمن اتهم بعلي و تولاه و سلم له و بالأوصياء من ولده حقاً علي أن أدخلهم في شفاعتي لأنهم أتباعي فمن تبعني فإنه مني سنة جرت في من إبراهيم لأني من إبراهيم و إبراهيم مني و فضلي له فضل و فضله فضلي و أنا أفضل منه تصديق ذلك قول ربي - ذرية بعضها من بعض و الله سميع عليم و كان رسول الله ﷺ وثت رجله في مشربة أم إبراهيم حتى عادة الناس.

✓ فضائل الشيعة، ص ٣٣:

أبي رحمه الله قال حَدَّثَنَا سَعْدُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْقَيْطِي قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ لِلنَّاسِ أَغْفَلُوا قَوْلَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ فِي عَلِيِّ فِي يَوْمِ غَدِيرِ حُمٍّ كَمَا أَغْفَلُوا قَوْلَهُ يَوْمَ مَشْرَبَةِ أُمِّ إِبْرَاهِيمَ أَمَى النَّاسَ يُعْوِدُونَهُ فِجَاءَ عَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِيَدُونُوا مِنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ فَلَمْ يَجِدْ مَكَانًا فَلَمَّا رَأَى رَسُولَ اللَّهِ ﷺ أَنَّهُمْ لَا يُفْرَجُونَ لِعَلِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ يَا مَعْشَرَ النَّاسِ هَذَا أَهْلُ بَيْتِي تَسْتَخْفُونَ بِهِمْ وَ أَنَا حَيٌّ بَيْنَ ظَهْرَانَيْكُمْ أَمَا وَاللَّهِ لئن غيبت فإن الله لا يغيب عنكم إن الرزق و الراحة و الرضا و البشرى و الحب و المحبة لمن اتهم بعلي و تولاه و سلم له و بالأوصياء من بعده حقاً علي أن أدخلهم في شفاعتي لأنهم أتباعي - فمن تبعني فإنه مني مثل جرى في إبراهيم لأني من إبراهيم و إبراهيم مني و ديني دينه و سنتي سنته و فضله فضلي و أنا أفضل منه و فضلي له فضل تصديق قول ربي - ذرية بعضها من بعض و الله سميع عليم و كان رسول الله ﷺ قد أثبت رجله في مشربة أم إبراهيم حين عادة الناس.

✓ تفسير العياشي، ج ١، ص ١٦٩:

عن أبي عبد الرحمن عن أبي كعدة عن أبي جعفر عليه السلام قال: قال رسول الله ﷺ الروح و الراحة و الرحمة و النصر - و اليسر و اليسار و الرضا و الرضا - و المخرج و الفلج و القرب و المحبة من الله و من رسوله لمن أحب عليا و اتهم بالأوصياء من بعده، حق علي أن أدخلهم في شفاعتي، و حق على ربي أن يستجيب لي فيهم لأنهم أتباعي - و من تبعني فإنه مني، مثل إبراهيم جرى في ولايته مني - و أنا منه دينه ديني و ديني دينه، و سنته سنتي و سنتي سنته، و فضلي فضله و أنا أفضل منه و فضلي له فضل - و ذلك تصديق قول ربي «ذرية بعضها من بعض و الله سميع عليم».

١١. علل الشرائع، ج ١، ص ١٢٧:

حَدَّثَنَا أَبُو الْحُسَيْنِ مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيِّ بْنِ الشَّاهِ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو بَكْرِ مُحَمَّدُ بْنُ جَعْفَرِ بْنِ أَحْمَدَ الْبَغْدَادِيِّ بِأَمْرِ أَبِي قَالَ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ السُّحْتِ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ الْأَسْوَدِ الْوَرَّاقُ عَنْ أَيُّوبَ بْنِ سُلَيْمَانَ عَنْ حَفْصِ بْنِ الْبُخْتَرِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ حُمَيْدٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ الْمُثَنِّكَرِ عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ أَنَا أَشْبَهُ النَّاسِ بِأَدَمَ وَإِبْرَاهِيمَ أَشْبَهُ النَّاسِ بِي خَلْقَهُ وَخُلُقَهُ وَ سَمَائِي اللَّهُ مِنْ فَوْقِ عَرْشِهِ عَشْرَةَ أَسْمَاءً وَ بَيْنَ اللَّهِ وَضِيفِي وَ بَشَّرَنِي عَلَى لِسَانِ كُلِّ رَسُولٍ بَعَثَهُ اللَّهُ إِلَى قَوْمِهِ وَ سَمَائِي وَ نَشَرَّ فِي التَّوْرَةِ اسْمِي وَ بَتَّ ذِكْرِي فِي أَهْلِ التَّوْرَةِ وَ الْإِنْجِيلِ وَ عَلَّمَنِي كِتَابَهُ وَ رَفَعَنِي فِي سَمَائِهِ وَ شَقَّ لِي



«...مَنْ هَذَا الَّذِي فِي السَّمَاءِ السَّابِعَةِ عَلَى بَابِ الْبَيْتِ الْمَعْمُورِ فِي جِوَارِ اللَّهِ فَقَالَ: هَذَا أَبُوكَ

إِبْرَاهِيمَ وَ هَذَا مَحَلُّكَ وَ مَحَلُّ مَنْ اتَّقَى مِنْ أُمَّتِكَ؛ این چه کسی است که در آسمان هفتم بر درب بیت

المعمور در جوار خداوند متعال است؟ جبرئیل گفت: این پدر تو ابراهیم است و این جایگاه تو و کسانی از

امت توست که تقوا پیشه کنند»<sup>۱۳</sup>.

یعنی محلّ رسول الله ﷺ و ابراهیم علیهما السلام و متّقین از امت حضرت رسول اکرم ﷺ در جوار خداوند است، هرچند در همان جوار قطعاً دارای مراتبی می‌باشند و از این روایت نیز روشن می‌شود جواب شبهه بسیار ضعیفی که برخی مطرح کرده‌اند و این شبهه به همراه بعض جواب‌های دیگر خواهد آمد ان شاء الله.

و در روایات متعدد وارد شده است که پیامبر مکرم اسلام و حضرت ابراهیم و امیر المؤمنین صلوات الله عليهم اجمعین، اولین کسانی هستند که در روز قیامت حله پوشانده می‌شوند.<sup>۱۴</sup>

۱۳. تفسیر الفمی، ج ۲، ص ۹:

فَحَكَى أَبِي عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ جَاءَ جِبْرِئِيلُ وَ مِيكَائِيلُ وَ إِسْرَافِيلُ بِالْبُرَاقِ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ ﷺ فَأَخَذَ وَاحِدًا بِاللِّجَامِ وَ وَاحِدًا بِالرِّكَابِ وَ سَوَى الْأَخْرُ عَلَيْهِ ثِيَابَهُ فَتَضَعَضَعَتِ الْبُرَاقُ فَلَطَمَهَا جِبْرِئِيلُ ثُمَّ قَالَ لَهَا اسْكُبِي يَا بُرَاقُ فَمَا رَكِبَكَ نَبِيٌّ قَبْلَهُ وَ لَا يَزُكُّكَ بَعْدَهُ مِنْهُ ...

ثُمَّ صَعِدْنَا إِلَى السَّمَاءِ السَّابِعَةِ - فَمَا مَرَرْتُ بِمَلِكٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ - إِلَّا قَالُوا يَا مُحَمَّدُ احْتَجِمِ - وَ أَمُرُ أُمَّتَكَ بِالْحِجَامَةِ، وَ إِذَا فِيهَا رَجُلٌ أَشْمَطُ الرَّأْسِ وَ اللَّحْيَةِ - جَالِسٌ عَلَى كُرْسِيِّ - فَقُلْتُ يَا جِبْرِئِيلُ مَنْ هَذَا الَّذِي فِي السَّمَاءِ السَّابِعَةِ - عَلَى بَابِ الْبَيْتِ الْمَعْمُورِ فِي جِوَارِ اللَّهِ فَقَالَ هَذَا أَبُوكَ إِبْرَاهِيمُ وَ هَذَا مَحَلُّكَ وَ مَحَلُّ مَنْ اتَّقَى مِنْ أُمَّتِكَ، ثُمَّ قَرَأَ رَسُولُ اللَّهِ ص «إِنَّ أَوْلَى النَّاسِ بِإِبْرَاهِيمَ لِلَّذِينَ اتَّبَعُوهُ - وَ هَذَا النَّبِيُّ وَ الَّذِينَ آمَنُوا وَ اللَّهُ وَ لِيِ الْمُؤْمِنِينَ» قَالَ ص: فَسَلَّمْتُ عَلَيْهِ وَ سَلَّمَ عَلَيَّ - وَ قَالَ مَرْحَبًا بِالنَّبِيِّ الصَّالِحِ وَ الْإِبْنِ الصَّالِحِ - وَ الْمَبْعُوثِ فِي الزَّمَنِ الصَّالِحِ - وَ إِذَا فِيهَا مِنَ الْمَلَائِكَةِ الْخُشُوعُ مِثْلُ مَا فِي السَّمَاوَاتِ، فَتَبَشَّرُونِي بِالْخَيْرِ لِي وَ لِأُمَّتِي.

۱۴. الأمالی (للصدوق)، ص ۳۲۴:

حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ إِسْحَاقَ رِضْوَانَ اللَّهِ عَلَيْهِ قَالَ حَدَّثَنَا أَبُو سَعِيدٍ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ الْعَدَوِيُّ سَنَةَ سَبْعِ عَشْرَةَ وَ ثَلَاثِينَ وَ هُوَ ابْنُ مِائَةٍ وَ سَبْعِينَ قَالَ حَدَّثَنَا الْحُسَيْنُ بْنُ أَحْمَدَ الطُّفَاوِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا قَيْسُ بْنُ الرَّبِيعِ قَالَ حَدَّثَنَا سَعْدُ الْحَفَافُ عَنْ عَطِيَّةِ الْعَوْفِيِّ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ زَيْدِ السُّدَهْلِيِّ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ أَحَى بَيْنَ الْمُسْلِمِينَ ثُمَّ قَالَ يَا عَلِيُّ أَنْتَ أَخِي وَ أَنْتَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى غَيْرَ أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي أَمَا عَلِمْتَ يَا عَلِيُّ أَنَّهُ أَوْلُ مَنْ يُدْعَى بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يُدْعَى بِي فَأَقُومُ عَنْ يَمِينِ الْعَرْشِ فَأُكْسَى حُلَّةَ حَضْرَاءٍ مِنْ حُلَلِ الْجَنَّةِ ثُمَّ يُدْعَى بِأَبِينَا إِبْرَاهِيمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَيَقُومُ عَنْ يَمِينِ الْعَرْشِ فِي ظِلِّهِ فَيُكْسَى حُلَّةَ حَضْرَاءٍ مِنْ حُلَلِ الْجَنَّةِ ثُمَّ يُدْعَى بِالنَّبِيِّينَ بَعْضُهُمْ عَلَى آثَرِ بَعْضٍ فَيَقُومُونَ سَمَاطِينَ عَنْ يَمِينِ الْعَرْشِ فِي ظِلِّهِ وَ يَكْسُونَ حُلَلًا حَضْرَاءٍ مِنْ حُلَلِ الْجَنَّةِ أَلَا وَ إِنِّي أُخْبِرُكَ يَا عَلِيُّ أَنَّ أُمَّتِي أَوْلُ الْأُمَّمِ يُحَاسِبُونَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ثُمَّ أُبَشِّرُكَ يَا عَلِيُّ أَنَّ أَوْلَ مَنْ يُدْعَى يَوْمَ الْقِيَامَةِ يُدْعَى بِكَ هَذَا لِقَرَابَتِكَ مِنِّي وَ مَنْزِلَتِكَ عِنْدِي فَيُدْفَعُ إِلَيْكَ لَوَائِي وَ هُوَ لَوَاءُ الْحَمْدِ فَتَسِيرُ بِهِ بَيْنَ السَّمَاوَاتِ وَ إِنْ آدَمَ وَ جَمِيعَ مَنْ خَلَقَ اللَّهُ يَسْتَظِلُّونَ بِظِلِّ لَوَائِي يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَ طَوْلُهُ مَسِيرَةُ أَلْفِ سَنَةٍ سِنَانُهُ يَأْفُوتُهُ حُمْرَاءُ قَضْبُهُ فَضَّةٌ بَيْضَاءُ رُجُهُ ذُرَّةٌ حَضْرَاءُ لَهُ ثَلَاثُ ذَوَائِبَ مِنْ نُورِ ذَوَابَةِ فِي الْمَشْرِقِ وَ ذَوَابَةُ فِي الْمَغْرِبِ وَ ذَوَابَةُ فِي وَسَطِ الدُّنْيَا مَكْتُوبٌ عَلَيْهَا ثَلَاثَةُ أَنْطُرٍ الْأَوَّلُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَ الْآخِرُ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ الثَّلَاثُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ طَوْلُ كُلِّ سَطْرٍ مَسِيرَةُ أَلْفِ سَنَةٍ وَ عَرْضُهُ مَسِيرَةُ أَلْفِ سَنَةٍ فَتَسِيرُ بِاللَّوَاءِ وَ الْحَسَنُ عَنْ يَمِينِكَ وَ الْحُسَيْنُ عَنْ يَسَارِكَ حَتَّى تَقِفَ بَيْنِي وَ بَيْنَ إِبْرَاهِيمَ فِي ظِلِّ الْعَرْشِ فَتُكْسَى حُلَّةَ حَضْرَاءٍ مِنْ حُلَلِ الْجَنَّةِ ثُمَّ يُنَادِي مُنَادٍ مِنْ عِنْدِ الْعَرْشِ نَعَمْ الْأَبُ أَبُوكَ إِبْرَاهِيمُ وَ نَعَمْ الْأَخُ أُخُوكَ عَلِيُّ أَلَا وَ إِنِّي أُبَشِّرُكَ يَا عَلِيُّ أَنَّكَ تُدْعَى إِذَا دُعِيَتْ وَ تُكْسَى إِذَا كُسِيَتْ وَ تُحْيَا [تُحْيَا] إِذَا حَيِّتُ [أُحْيِيَتْ].

نباید کسی فکر کند که حضرت ابراهیم علیه السلام چون امت پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله نبود یا شیعه امیر المؤمنین علیه السلام نبود، پس مقاماتی هست که شیعه می تواند برسد اما حضرت ابراهیم علیه السلام از آن محروم است؛ این از عدم توجه کافی به روایات اهل بیت علیهم السلام است.

امیر المؤمنین علیه السلام می فرماید:

«... إِنْ مِنْ شِيعَتِهِ لِإِبْرَاهِيمَ وَهُوَ اسْمٌ شَرَفَهُ اللَّهُ تَعَالَى فِي الْكِتَابِ، وَ أَنْتُمْ شِيعَةُ النَّبِيِّ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، كَمَا أَنَّ مِنْ شِيعَتِهِ إِبْرَاهِيمَ، اسْمٌ غَيْرٌ مُخْتَصٌّ؛ وَ أَمْرٌ غَيْرٌ مُبْتَدَعٌ...» ۱۵.

✓ الخصال، ج ۲، ص ۳۶۲:

حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ الْحَسَنِ الْقَطَّانُ حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ يَحْيَى بْنِ زَكَرِيَّا الْقَطَّانُ قَالَ حَدَّثَنَا بَكْرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ حَبِيبٍ قَالَ حَدَّثَنَا تَمِيمُ بْنُ بَهْلُولٍ قَالَ حَدَّثَنَا عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنُ الْأَسْوَدِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ مَعْمَرٍ عَنْ عَمَّارِ بْنِ يَاسِرٍ وَ عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ قَالَا قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله لِعَلِيِّ علیه السلام أَحَاجُكَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَأَحَاجُكَ بِالتَّبَوُّةِ وَ تُحَاجُّ قَوْمَكَ فَتُحَاجُّهُمْ بِسَبْعِ خِصَالٍ إِقَامَ الصَّلَاةِ وَ إِنْتَاءَ الزَّكَاةِ وَ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ النَّهْيَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَ الْعَدْلَ فِي الرُّعْيَةِ وَ الْقِسْمَ بِالسُّوْبَةِ وَ الْأَخْذَ بِأَمْرِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ أَمَا عَلِمْتَ يَا عَلِيُّ أَنَّ إِبْرَاهِيمَ علیه السلام مُوَافِينَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَيُدْعَى فَيَقَامُ عَنْ يَمِينِ الْعَرْشِ فَيُكْسَى كِشْوَةَ الْجَنَّةِ وَ يُحَلَّى مِنْ حُلِيِّهَا وَ يَسْبَلُ لَهُ مِزَابٌ مِنْ ذَهَبٍ مِنَ الْجَنَّةِ فَهَبُّ مِنَ الْجَنَّةِ مَا هُوَ أَحْلَى مِنَ الشَّهْدِ وَ أَيْضُ مِنَ اللَّبَنِ وَ أْبْرُدُ مِنَ السَّلْجِ وَ أُدْعَى أَنَا فَأَقَامُ عَنْ شِمَالِ الْعَرْشِ فَيُنْعَلُ بِي مِثْلُ ذَلِكَ ثُمَّ تُدْعَى أَنْتَ يَا عَلِيُّ فَيُنْعَلُ بِكَ مِثْلُ ذَلِكَ أَمَا تَرْضَى يَا عَلِيُّ أَنْ تُدْعَى إِذَا دُعِيَثَ أَنَا وَ تُكْسَى إِذَا كُسِيْتُ أَنَا وَ تُحَلَّى إِذَا حُلِيْتُ أَنَا إِنَّ اللَّهَ عَزَّ ذِكْرُهُ أَمْرَنِي أَنْ أُذِيْبَكَ فَلَا أَقْصِيْبِكَ وَ أَعْلَمَكَ فَلَا أَجْفُوكَ وَ حَقًّا عَلَيْكَ أَنْ تَعْبِيَ وَ حَقًّا عَلَيَّ أَنْ أُطِيعَ رَبِّي تَبَارَكَ وَ تَعَالَى.

✓ تفسیر القمی، ج ۱، ص ۱۲۸:

حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ سُلَيْمَانَ الدَّيْلَمِيِّ عَنْ أَبِي بصيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ علیه السلام قَالَ إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ يُدْعَى مُحَمَّدٌ ص فَيُكْسَى حُلَّةً وَرْدِيَّةً ثُمَّ يَقَامُ عَلَى يَمِينِ الْعَرْشِ ثُمَّ يُدْعَى بِإِبْرَاهِيمَ علیه السلام فَيُكْسَى حُلَّةً بَيْضَاءَ - فَيَقَامُ عَنْ يَسَارِ الْعَرْشِ، ثُمَّ يُدْعَى بِعَلِيِّ علیه السلام فَيُكْسَى حُلَّةً وَرْدِيَّةً فَيَقَامُ عَلَى يَمِينِ النَّبِيِّ صلی الله علیه و آله ثُمَّ يُدْعَى بِإِسْمَاعِيلَ فَيُكْسَى حُلَّةً بَيْضَاءَ - فَيَقَامُ عَلَى يَسَارِ إِبْرَاهِيمَ، ثُمَّ يُدْعَى بِالْحَسَنِ علیه السلام فَيُكْسَى حُلَّةً وَرْدِيَّةً - فَيَقَامُ عَلَى يَمِينِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ علیه السلام ثُمَّ يُدْعَى بِالْحُسَيْنِ ع فَيُكْسَى حُلَّةً وَرْدِيَّةً - فَيَقَامُ عَلَى يَمِينِ الْحَسَنِ علیه السلام ثُمَّ يُدْعَى بِالأئمةِ فَيُكْسُونَ حُلَّةً وَرْدِيَّةً - وَ يَقَامُ كُلُّ وَاحِدٍ عَلَى يَمِينِ صَاحِبِهِ، ثُمَّ يُدْعَى بِالشَّيْخَةِ فَيَقُومُونَ أَمَامَهُمْ - ثُمَّ يُدْعَى بِفَاطِمَةَ وَ نَسَائِهَا مِنْ ذُرِّيَّهَا وَ شِيعَتِهَا فَيَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ بِغَيْرِ حِسَابٍ، ثُمَّ يُنَادِي مُنَادٍ مِنْ بَطْنَانِ الْعَرْشِ مِنْ قَبْلِ رَبِّ الْعَرْةِ وَ الْأَفْقِ الْأَعْلَى نَعَمَ الْأَبُ أَبُوكَ يَا مُحَمَّدُ وَ هُوَ إِبْرَاهِيمُ وَ نَعَمَ الْأَخُ أَخُوكَ وَ هُوَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ علیه السلام وَ نَعَمَ السَّبْطَانِ سَبْطَاكَ وَ هُمَا الْحَسَنُ وَ الْحُسَيْنُ وَ نَعَمَ الْجَنِينُ جَنِينُكَ وَ هُوَ مُحَسَّنٌ وَ نَعَمَ الأئمةِ الرَّاشِدُونَ مِنْ ذُرِّيَّتِكَ وَ هُمْ فُلَانٌ وَ فُلَانٌ، وَ نَعَمَ الشَّيْخَةِ شِيعَتِكَ أَلَا إِنَّ مُحَمَّدًا وَ وَصِيَّهُ وَ سِبْطِيهِ - وَ الأئمةِ مِنْ ذُرِّيَّتِهِ هُمْ الْفَائِزُونَ ثُمَّ يُؤْمَرُ بِهِمْ إِلَى الْجَنَّةِ وَ ذَلِكَ قَوْلُهُ: «فَمَنْ رُحِرَ عَنِ النَّارِ وَ أَدْخَلَ الْجَنَّةَ فَقَدْ فَازَ»

✓ الأصول الستة عشر (ط - دار الحديث)، ص ۳۳۴:

سَلَامٌ، عَنْ مَعْرُوفٍ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ، قَالَ: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَخْبَرَ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ بِمَا يَلْقَى مِنْ أُمَّتِهِ، فَسَقَّ ذَلِكَ عَلَيْهِ، فَقَالَ لِعَلِيِّ: أَمَا تَرْضَى أَنْ تَكُونَ حَيْثُ أَكُونُ؟ إِنَّ أَوَّلَ مَدْعُوِّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِبْرَاهِيمَ حَلِيلُ الرَّحْمَنِ، فَيُكْسَى ثَوْبَيْنِ، ثُمَّ يَقُومُ عَنْ يَمِينِ الْعَرْشِ، ثُمَّ تُدْعَى إِذَا دُعِيَثَ، وَ تُكْسَى إِذَا كُسِيْتُ، وَ تَشْرَبُ إِذَا شَرِبْتُ، وَ تَسْمَعُ إِذَا سَمِعْتُ، فَمَنْ أَحْبَبَكَ فَقَدْ أَحَبَّنِي، وَ مَنْ أَبْغَضَكَ فَقَدْ أَبْغَضَنِي.

۱۵. كشف المحجة لثمره المهجعة، ص ۲۳۵:

قَالَ مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبٍ فِي كِتَابِ الرِّسَالِ: عَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ بِإِسْنَادِهِ قَالَ: كَتَبَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ كِتَابًا بَعْدَ مُنْصَرَفِهِ مِنَ التَّهْرَوَانِ وَ أَمَرَ أَنْ يُقْرَأَ عَلَى النَّاسِ، وَ ذَلِكَ أَنَّ النَّاسَ سَأَلُوهُ عَنْ أَبِي بَكْرٍ وَ عُمَرَ وَ عُثْمَانَ، فَغَضِبَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَ قَالَ: «قَدْ تَفَرَّغْتُمْ لِلسُّؤَالِ عَمَّا لَا يُعْنِيكُمْ وَ هَذِهِ مِضْرُ قَدْ انْفَتَحَتْ وَ قَتَلَ مُعَاوِيَةَ ابْنَ حَدِيجٍ وَ مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي بَكْرٍ، فَيَا لَهَا مِنْ مُصِيبَةٍ مَا أَعْظَمَهَا بِمُصِيبَتِي بِمُحَمَّدٍ، فَوَ اللَّهِ مَا كَانَ إِلَّا كِبْضِ بَنِي، سُبْحَانَ اللَّهِ بَيْنَنَا نَحْنُ نَرْجُو أَنْ نَغْلِبَ الْقَوْمَ عَلَى مَا فِي أَيْدِيهِمْ إِذْ غَلَبُونَا عَلَى مَا فِي أَيْدِينَا، وَ أَنَا كَاتِبٌ لَكُمْ كِتَابًا فِيهِ تَضْرِيحُ مَا سَأَلْتُمْ إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى.

... و همانا از پیروان او ابراهیم بود و ابراهیم نامی است که خداوند متعال در کتاب خود آن را گرامی و شریف قرار داده است و شما پیرو و شیعه حضرت محمد ﷺ هستید، همانگونه که ابراهیم از شیعیان اوست. شیعه نامی نیست که مختص گروهی باشد و امری جدید نیست ...

و وقتی حضرت ابراهیم نگاه به جانب عرش کرد و انوار پیامبر ﷺ و اهل بیت ﷺ و بلکه انوار شیعیان را دید عرض کرد:

«اجعلنی إلهی من شیعتهم و محبهم قال قد جعلتک منهم»<sup>۱۶</sup>

ابراهیم ﷺ گفت: پروردگارا من را از شیعیان و محبتین آنها قرار بده. خداوند فرمود: به تحقیق تو را از آنها قرار دادیم.

و در ذیل آیه شریفه ﴿وَ إِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ﴾ وارد شده است که راوی از امام صادق ﷺ می‌پرسد:

«يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ فَمَا يَعْنِي عَزَّ وَ جَلَّ بِقَوْلِهِ فَأَتَمَّهُنَّ؟ قَالَ: يَعْنِي أَتَمَّهُنَّ إِلَى الْقَائِمِ ﷺ اثْنَا عَشَرَ

إِمَامًا تِسْعَةً مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ ﷺ»<sup>۱۷</sup>

فَدَعَا كَاتِبَهُ غَبِيْدُ اللَّهِ بْنِ أَبِي رَافِعٍ فَقَالَ لَهُ «أَدْخُلْ عَلَيَّ عَشْرَةَ مِنْ تَقَاتِي». فَقَالَ: سَمَّهِمْ لِي يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ. فَقَالَ: «أَدْخُلْ أَضْبَعُ بِنْتُ نُبَاتَةَ، وَ أَبَا الطَّفَيْلِ عَامِرَ بْنِ وَائِلَةَ الْكِنَانِيَّ، وَ رَزِينَ بْنَ حُبَيْشِ الْأَسَدِيَّ، وَ جُوَيْرِيَةَ بْنَ مُسَهْرِ الْعَبْدِيَّ، وَ خَنْدَفَ بْنَ زُهَيْرِ الْأَسَدِيِّ، وَ حَارِثَةَ بْنَ مُضَرِّبِ الْهَمْدَانِيَّ، وَ الْحَارِثَ بْنَ عَبْدِ اللَّهِ الْأَعْمُورَ الْهَمْدَانِيَّ، وَ مِضْبَاحَ النَّخَعِيِّ، وَ عَلْقَمَةَ بْنَ قَيْسٍ، وَ كُمَيْلَ بْنَ زَيْدٍ، وَ عَمَيْرَ بْنَ زُرَّارَةَ» فَدَخَلُوا عَلَيْهِ فَقَالَ لَهُمْ: «خُذُوا هَذَا الْكِتَابَ، وَ لِيَقْرَأَهُ غَبِيْدُ اللَّهِ بْنُ أَبِي رَافِعٍ وَ أَنْتُمْ شُهُودٌ كُلُّ يَوْمٍ جُمُعَةٍ، فَإِنْ شَغَبَ شَاغِبٌ عَلَيْكُمْ فَأَنْصِفُوهُ بِكِتَابِ اللَّهِ بَيْنَكُمْ وَ بَيْنَهُ»؛ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ مِنْ عَبْدِ اللَّهِ عَلِيِّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ، إِلَى شِيعَتِهِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَ الْمُسْلِمِينَ، فَإِنَّ اللَّهَ يَقُولُ: «وَ إِنْ مِنْ شِيعَتِهِ لِإِبْرَاهِيمَ وَ هُوَ اسْمٌ شَرَفَهُ اللَّهُ تَعَالَى فِي الْكِتَابِ، وَ أَنْتُمْ شِيعَةُ النَّبِيِّ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، كَمَا أَنَّ مِنْ شِيعَتِهِ إِبْرَاهِيمَ، اسْمٌ غَيْرٌ مُخْتَصٌّ؛ وَ أَمْرٌ غَيْرٌ مُتَّبَعٌ، وَ سَلَامٌ اللَّهُ عَلَيْكُمْ، وَ اللَّهُ هُوَ السَّلَامُ الْمُؤْمِنُ أَوْلِيَاءَهُ مِنَ الْعَذَابِ الْمُهِينِ، الْحَاكِمُ عَلَيْكُمْ بِعَدْلِهِ ...

۱۶. الفضائل (لابن شاذان القمي)، ص ۱۵۸:

وَ بِالْإِسْنَادِ يَرْفَعُهُ إِلَى عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَبِي وَقَاصٍ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ أَنَّهُ قَالَ لَمَّا خَلَقَ اللَّهُ إِبْرَاهِيمَ الْخَلِيلَ كَشَفَ لَهُ عَنْ بَصَرِهِ فَنَظَرَ فِي جَانِبِ الْعَرْشِ نُورًا فَقَالَ إلهي وَ سَيِّدِي مَا هَذَا النُّورُ قَالَ يَا إِبْرَاهِيمُ هَذَا مُحَمَّدٌ صَفِيِّي فَقَالَ إلهي وَ سَيِّدِي إني أرى بجانبه نوراً آخرَ قال يا إِبْرَاهِيمُ هَذَا عَلِيٌّ نَاصِرٌ دِينِي قَالَ إلهي وَ سَيِّدِي إني أرى بجانبهما نوراً آخرَ نالنا يلي التورين قال يا إِبْرَاهِيمُ هذه فاطمة تلي أباهما وَ بعلها فطمت محبتها من النار قال إلهي وَ سَيِّدِي إني أرى نورين يلبان الأنوار الثلاثة قال يا إِبْرَاهِيمُ هذان الحسن وَ الحسين يلبان أباهما أمهما وَ جدتهما قال إلهي وَ سَيِّدِي إني أرى تسعة أنوارٍ قد أخذوا بالحسنة الأنوار قال يا إِبْرَاهِيمُ هؤلاء الأئمة من ولدهم قال إلهي وَ سَيِّدِي وَ بمن يعرفون قال يا إِبْرَاهِيمُ أولهم علي بن الحسين وَ محمد وَ لُد علي وَ جعفر وَ لُد محمد وَ موسى وَ لُد جعفر وَ علي وَ لُد موسى وَ محمد وَ لُد علي وَ علي وَ لُد محمد وَ الحسن وَ لُد علي وَ محمد وَ لُد الحسن القائم المهدي قال إلهي وَ سَيِّدِي وَ أرى عدة أنوار حولهم لا يخصني عدتهم إلا أنت قال يا إِبْرَاهِيمُ هؤلاء شيعتهم وَ محببهم قال إلهي وَ سَيِّدِي بم يعرف شيعتهم وَ محببهم قال يا إِبْرَاهِيمُ بصلاة الإخدى وَ الخمسين وَ الجهر ب بسم الله الرحمن الرحيم وَ الفنون قبل الركوع وَ سجدتي الشكر وَ التحنن باليمين قال إِبْرَاهِيمُ اجعلني إلهي من شيعتهم وَ محببهم قال قد جعلتک منهم فأنزل تعالى فيه وَ إِنْ مِنْ شِيعَتِهِ لِإِبْرَاهِيمَ إِذْ جَاءَ رَبُّهُ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ صَدَقَ اللَّهُ تَعَالَى وَ رَسُولُهُ.

۱۷. تفسير كنز الدقائق و بحر الغرائب، ج ۲، ص ۱۳۴:

ای فرزند رسول خدا، مراد خداوند متعال از «فَأَتَمَّهَنْ» چیست؟ امام صادق فرمودند: یعنی کامل کرد تا حضرت قائم علیه السلام دوازده امام که نه نفر آنها از اولاد امام حسین علیه السلام هستند. و به لسان اهل ذوق باید گفته شود:

شَرِبْنَا عَلَى ذِكْرِ الْحَبِيبِ مَدَامَةً      سَكَّرْنَا بِهَا مِنْ قَبْلِ أَنْ يُخْلَقَ الْكَرْمُ

\*\*\*\*\*

بودم آن روز من از طایفه دُرد کشان      که نه از تاک نشان بود و نه از تاک نشان

و اساساً در روایت علل، از امام عسکری علیه السلام نقل می‌کند:

«إِنَّمَا اتَّخَذَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلًا لِكَثْرَةِ صَلَاتِهِ عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ علیهم السلام؛ همانا خداوند

عزوجل حضرت ابراهیم را به عنوان خلیل برگزید به خاطر کثرت صلوات ابراهیم بر حضرت محمد صلی الله علیه و آله و

اهل بیت علیهم السلام»<sup>۱۸</sup>

و از اینجاست که می‌فهمیم قبل از اینکه ما شیعه باشیم، مقدم بر ما زماناً و رتبتاً، ابراهیم علی نبینا و آله و علیه السلام حقیقت اسلام و ولایت و تشیع را در بالاترین درجه داشت، لذا در روایت است که وقتی مردی

و روی الشیخ أبو جعفر بن بابویه - رحمه الله - في كتاب التوبة، بإسناده، مرفوعاً إلى المفضل بن عمر، عن الصادق - عليه السلام - قال: سألته عن قول الله - عزَّ و جلَّ - و إِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ مَا هَذِهِ الْكَلِمَاتُ؟ قال: هي الكلمات التي تلقاها آدم - عليه السلام - من ربه. فتاب عليه. و هو أنه قال: «يا رب! أسألك بحق محمد و علي و فاطمة و الحسن و الحسين، إلا تبت عليّ.» فتاب الله عليه. إنه هو التَّوَابُ الرَّحِيمِ. فقلت: يا بن رسول الله! فما يعني بقوله «فأتَمَّهَنْ»؟ فقال: أتَمَّهَنْ إلى القائم، اثني عشر إماماً، تسعة من ولد الحسين عليهم السلام. ✓ معاني الأخبار، النص، ص ۱۲۶:

حَدَّثَنَا عَلِيُّ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَمْرَانَ الدَّقَاقُ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا حَمْرَةُ بِنْتُ الْقَاسِمِ الْعَلَوِيُّ الْعَبَّاسِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ مَالِكِ الْكُوفِيِّ الْفَزَارِيِّ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ زَيْدِ الرَّيَّانِ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ زَيْدِ الْأَزْدِيُّ عَنِ الْمُفْضَلِ بْنِ عُمَرَ عَنِ الصَّادِقِ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ علیه السلام قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ - وَ إِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ مَا هَذِهِ الْكَلِمَاتُ قَالَ هِيَ الْكَلِمَاتُ الَّتِي تَلَقَّاهَا آدَمُ مِنْ رَبِّهِ فَتَابَ عَلَيْهِ وَ هُوَ أَنَّهُ قَالَ يَا رَبِّ! أَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَ عَلِيِّ وَ فَاطِمَةَ وَ الْحَسَنِ وَ الْحُسَيْنِ إِلَّا تَبَّتْ عَلَيَّ فَتَابَ اللَّهُ عَلَيْهِ إِنَّهُ هُوَ التَّوَابُ الرَّحِيمُ فَقُلْتُ لَهُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ فَمَا يَعْنِي عَزَّ وَجَلَّ بِقَوْلِهِ فَأَتَمَّهَنْ قَالَ يَعْنِي أَتَمَّهَنْ إِلَى الْقَائِمِ علیه السلام اثْنَا عَشَرَ إِمَاماً تِسْعَةً مِنْ وُلْدِ الْحُسَيْنِ علیه السلام قَالَ الْمُفْضَلُ فَقُلْتُ لَهُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ فَأَحْبِرْنِي عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ - وَ جَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقْبِهِ «ع» قَالَ يَعْنِي بِذَلِكَ الْإِمَامَةَ جَعَلَهَا اللَّهُ فِي عَقْبِ الْحُسَيْنِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ قَالَ فَقُلْتُ لَهُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ فَكَيْفَ صَارَتِ الْإِمَامَةُ فِي وُلْدِ الْحُسَيْنِ دُونَ وُلْدِ الْحَسَنِ وَ هُمَا جَمِيعاً وَ لَكَدَا رَسُولَ اللَّهِ وَ سِبْطَاهُ وَ سَيِّدَا شَبَابِ أَهْلِ الْجَنَّةِ فَقَالَ علیه السلام إِنَّ مُوسَى وَ هَارُونَ كَانَا نَبِيِّينِ مُرْسَلَيْنِ أَكُونِ فِي جَعَلِ اللَّهُ النَّبُوَّةَ فِي ضَلْبِ هَارُونَ دُونَ ضَلْبِ مُوسَى وَ لَمْ يَكُنْ لِأَحَدٍ أَنْ يَقُولَ لِمَ فَعَلَ اللَّهُ ذَلِكَ فَإِنَّ الْإِمَامَةَ خِلَافَةُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ لَيْسَ لِأَحَدٍ أَنْ يَقُولَ لِمَ جَعَلَهَا اللَّهُ فِي ضَلْبِ الْحُسَيْنِ دُونَ ضَلْبِ الْحَسَنِ لِأَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى هُوَ الْحَكِيمُ فِي أَفْعَالِهِ - لَا يُسْئَلُ عَمَّا يَفْعَلُ وَ هُمْ يُسْئَلُونَ.

۱۸. علل الشرائع، ج ۱، ص ۳۴:

حَدَّثَنَا أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدِ بْنِ الشَّيْبَانِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ الْأَسَدِيُّ الْكُوفِيُّ عَنْ سَهْلِ بْنِ زَيْدِ الْأَدَمِيِّ عَنْ عَبْدِ الْعَظِيمِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْحُسَيْنِيِّ قَالَ سَمِعْتُ عَلِيَّ بْنَ مُحَمَّدٍ الْعَسْكَرِيِّ علیه السلام يَقُولُ إِنَّمَا اتَّخَذَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلًا لِكَثْرَةِ صَلَاتِهِ عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ علیهم السلام.

به امام زین العابدین علیه السلام عرض کرد:

يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ أَنَا مِنْ شِيعَتِكُمُ الْخُلُصِ فَقَالَ لَهُ: يَا عَبْدَ اللَّهِ فَإِذْنِ أَنْتَ كَابِرَاهِيمَ الْخَلِيلِ عليه السلام الَّذِي  
قَالَ اللَّهُ فِيهِ: وَإِنَّ مِنْ شِيعَتِهِ لِإِبْرَاهِيمَ. إِذْ جَاءَ رَبَّهُ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ فَإِنْ كَانَ قَلْبُكَ كَقَلْبِهِ فَأَنْتَ مِنْ شِيعَتِنَا وَ  
إِنْ لَمْ يَكُنْ قَلْبُكَ كَقَلْبِهِ، وَهُوَ طَاهِرٌ مِنَ الْغِشِّ وَالْغُلِّ [فَأَنْتَ مِنْ مُحِبِّينَا] وَإِلَّا فَأَنْتَ إِنْ عَرَفْتَ أَنَّكَ  
بِقَوْلِكَ كَاذِبٌ فِيهِ، إِنَّكَ لَمُبْتَلَى بِفَالِحٍ لَّا يُعَارِفُكَ إِلَّا الْمَوْتُ أَوْ جُذَامٌ لِيَكُونَ كَفَّارَةً لِكِذْبِكَ هَذَا.<sup>١٩</sup>

یا ابن رسول الله! من از شیعیان خالص شما هستم. حضرت به او فرمودند: ای بنده خدا! پس [امر] تو مانند ابراهیم خلیل علیه السلام [است] که خداوند متعال درباره اش فرموده است: ﴿وَإِنَّ مِنْ شِيعَتِهِ لِإِبْرَاهِيمَ إِذْ جَاءَ رَبَّهُ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ﴾ پس اگر قلب تو مانند قلب حضرت ابراهیم است پس تو از شیعیان ما هستی و اگر قلبت مانند قلب ابراهیم علیه السلام نیست و در عین حال خالی از مکر و فریب و غش و خیانت است پس تو از محبتین ما هستی، و الا اگر بدانی در این گفتارت دروغ گو هستی، همانا مبتلای به فلجی خواهی شد که تا زمان مرگ از تو جدا نمی شود و یا اینکه مبتلای به جذام می شوی تا کفاره گناهت باشد.

و این درجات برای جناب ابراهیم علیه السلام برای آن است که خداوند متعال حضرت ابراهیم علی نبینا و آله و علیه السلام را خالص فرموده بود ﴿إِنَّا أَخْلَصْنَاهُمْ بِخَالِصَةٍ ذِكْرَى الدَّارِ﴾<sup>٢٠</sup> و او این خلوص را تا آخر آورد ﴿إِذْ جَاءَ رَبَّهُ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ﴾<sup>٢١</sup>. و در روایت آمده است: «الْقَلْبُ السَّلِيمُ الَّذِي يَلْقَى رَبَّهُ وَ لَيْسَ فِيهِ أَحَدٌ سِوَاهُ؛ قلب سلیم قلبی است که پروردگارش را ملاقات کند در حالی که در آن کسی جز خدا نیست».<sup>٢٢</sup>

و تعجب است از برخی که با وجود این همه مطالب و دهها مطلب دیگر و از جمله ﴿إِنِّي وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ حَنِيفًا وَ مَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ؛ من از روی اخلاص، پاكدلانه روی خود را به سوی کسی گردانیدم که آسمانها و زمین را پدید آورده است و من از مشرکان نیستم﴾<sup>٢٣</sup> تردید در تحقق مرتبه فناء ذات

١٩. التفسير المنسوب إلى الإمام الحسن العسكري عليه السلام، ص ٣٠٩.

٢٠. سورة مباركة، ص، آیه ٤٦.

٢١. سورة مباركة صفات، آیه ٨٤.

٢٢. الكافي (ط - الإسلامية)، ج ٢، ص ١٦:

وَ بِهَذَا الْإِسْنَادِ [عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْمُتَفَرِّجِيِّ عَنِ سُفْيَانَ بْنِ عُيَيْنَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام] قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ - إِلَّا مَنْ أَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ قَالَ: الْقَلْبُ السَّلِيمُ الَّذِي يَلْقَى رَبَّهُ وَ لَيْسَ فِيهِ أَحَدٌ سِوَاهُ قَالَ وَ كُلُّ قَلْبٍ فِيهِ شِرْكٌ أَوْ شَكٌّ فَهُوَ سَاقِطٌ وَ إِنَّمَا أَرَادُوا الرُّهْدَ فِي الدُّنْيَا لِيُنْفِرَ قُلُوبُهُمْ لِلْآخِرَةِ.

✓ تفسير القمي، ج ٢، ص ١٢٣.

و قال علي بن إبراهيم في قوله: وَ اجْعَلْ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ قَالَ هُوَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عليه السلام وَ قَوْلُهُ: إِلَّا مَنْ أَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ قَالَ الْقَلْبُ السَّلِيمُ الَّذِي يَلْقَى اللَّهَ - وَ لَيْسَ فِيهِ أَحَدٌ سِوَاهُ.

٢٣. سورة مباركة انعام، آیه ٧٩.

برای ابراهیم خلیل الرحمن علیه السلام روا می‌دارند، اما برای دیگران اثبات می‌کنند چون آنان از شیعه امیرالمؤمنین علیه السلام می‌باشند.

و من در اینجا بیشتر در این زمینه وارد نمی‌شوم و عبارتی را از امام خمینی علیه السلام با آن احاطه بر عرفان، در شرح دعای سحر می‌آورم:

«و نحوه سلوک شیخ الانبیاء حضرت ابراهیم (علیه و علیهم الصلاة و السلام) اینچنین بوده است آنجا که می‌فرماید: «چون تاریکی شب او را فرا گرفت ستاره‌ای را دید، گفت همین است پروردگار من (تا آنجا که می‌گوید) من روی خود به سوی کسی کردم که آسمان‌ها و زمین را از عدم به وجود آورده است و از بتان کناره گرفتم و اسلام آوردم و من از مشرکان نیستم». و بدین ترتیب آن حضرت به تدریج از ظلمات عالم طبیعت به عالم ربوبیت بالا رفت.

در آغاز که ربوبیت نفس طلوع کرد به صورت ستاره زهره تجلی کرد، پس آن حضرت از این مرحله گذشت و افول و غروب آن را مشاهده کرد. پس از این منزل به منزل قلب منتقل شد که ماه قلب از افق وجودش طلوع کرده بود و در آن منزل، ربوبیت قلب را مشاهده نمود. و از این مقام نیز گذشت و ماه افول کرد و به مقام بالاتر که مقام طلوع آفتاب روح بود رسید. و چون نور حق درخشیدن گرفت و آفتاب حقیقی طلوع کرد، ربوبیت روح را نیز نفی کرد و به فاطر روح و خالق آن توجه نمود و از هر اسم و رسم و تعیین و نشانی‌هایی یافت و بر درگاه رب مطلق بار انداخت.»<sup>۲۴</sup>

عنان تا کی به دست شک سپاری      به هر یک روی هذا ربی آری

خلیل آسا در ملک یقین زن      نوای لا أحب الأفلین زن

و وقتی کسی به مقام فناء مطلق به معنای صحیح (نه غلط و محال آن) متحقق شد، به حکم «كُنْتُ سَمْعَهُ الَّذِي يَسْمَعُ بِهِ وَ بَصَرَهُ الَّذِي يُبْصِرُ بِهِ وَ لِسَانَهُ الَّذِي يَنْطِقُ بِهِ وَ يَدَهُ الَّتِي يَبْطِشُ بِهَا، گوش او می‌شوم که با آن می‌شنود و چشم او می‌شوم که با آن می‌بیند و زبان او می‌شوم که با آن صحبت می‌کند و دست او می‌شوم که با قدرت انجام می‌دهد»<sup>۲۵</sup> باید نه تنها مصون از گناه باشد، بلکه باید مصون از نسیان و خطا نیز باشد همچون حجج

۲۴. شرح دعای سحر امام خمینی علیه السلام، ترجمه حجة الاسلام فهری، ص ۱۹.

۲۵. وسائل الشیعة، ج ۴، ص ۷۲:

وَ عَنْهُمْ [مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا] عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ خَالِدٍ عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مِهْرَانَ عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْقَمَاطِ عَنْ أَنَانَ بْنِ تَعْلَبَ عَنْ



الهی. و هر کس به این مرتبه نرسیده، به یکی از این دو جهت است؛ یا اساساً به این مقام نائل نشده است یا برای او حال است؛ نه تحقق. و وقتی ما از دیگری نسیان یا خطا مخصوصاً در امور شرعیه هرچند اندک ببینیم، مطمئن می‌شویم که به حقیقت «اجعلک مثلی»<sup>۲۶</sup> و مرتبه عصمت نرسیده است، حتی اگر در عالی‌ترین درجات علم و تقوی و عرفان باشد. و اینکه درباره فاطمه زهرا علیها السلام شیعه و سنی نقل کرده‌اند که «إِنَّ اللَّهَ لَيَغْضَبُ لِعُضْبِ فَاطِمَةَ وَ يَرْضَى لِرِضَاهَا؛ همانا خداوند برای غضب فاطمه غضب می‌نماید و برای خشنودی او خشنود می‌شود» نکته آن متحقق بودن در چنین مرتبه‌ای و عصمت آن حضرت است. گرچه خشنودی و غضب خداوند برای خشنودی و غضب هر مؤمنی می‌تواند باشد، اما مقید است، در حالی که برای فاطمه زهرا علیها السلام و اهل بیت عصمت و طهارت علیهم السلام مطلق است.

و با توجه به مطالبی که ذکر شد و بسیاری که ذکر نشد، اگر عموم یا اطلاق روایتی احیاناً مورد استناد قرار گیرد و کسی بخواهد خلاف آنچه گفته شد از آن استفاده کند، مطمئناً راه اشتباهی را در پیش گرفته است؛ زیرا این همه قرائن برای درست معنا کردن و دریافت مراد حقیقی از آن کافی است.

اللهم احشرنا فی زمرة محمد و آله الطاهرين و انبيائك المرسلين و عبادك الصالحين

والحمد لله رب العالمين

گروه پژوهش معارف

---

أبي جعفر عليه السلام في حديث إن الله جل جلاله قال: ما يتقرب إلي عبدي بشيء أحب إلي مما افترضت عليه و إنه ليتقرب إلي بالنافلة حتى أحبه فإذا أحببته كنت سمعه الذي يسمع به و بصره الذي يبصر به و لسانه الذي ينطق به و يده التي يبطش بها إن دعاني أجبه و إن سألني أعطيه.

همچنین مراجعه شود به: الكافي، ج ۲، ص ۳۵۲؛ المحاسن، ج ۱، ص ۲۹۱ و الوافي، ج ۵، ص ۷۳۴.

۲۶. الجواهر السنیه فی الأحادیث القدسیة (کلیات حدیث قدسی)، ص ۷۰۹:

و روی الحافظ البرسی قال: ورد فی الحدیث القدسی عن الرب العلی أنه یقول: عبدی أطعنی أجعلک مثلی، أنا حی لا اموت أجعلک حیاً لا تموت، أنا غنی لا أفقر أجعلک غنیاً لا تفقر، أنا مهما أشاء یكون أجعلک مهما تشاء یكون.